**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه301– 09 /09/ 1399 مساله‌ی دوم ( حداد) /عده‌ی وفات/ تکمله‌ی عروه** **/ اقوال فقها در عده**

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در لزوم حداد بر زن متوفی عنها زوجها بود. روایات زیادی بر وجوب حداد دلالت می کنند. در مقابل این روایات از روایت عمار ساباطی استفاده می شود که حداد لازم نیست.

# عدم پذیرش روایت عمار

## بیان اول ( علم اجمالی به وقوع اشتباهی در روایت)

لزوم حداد در میان عامه کالمجمع علیه است و برای رد این فتوای مجمع علیه نمی توان به یک روایتی که از شخصی مثل عمار ساباطی که فطحی نیز می باشد، اعتماد کرد؛ در نتیجه یا روایت صادر نشده است و عمار اشتباه کرده است یا به این شکل صادر نشده است و در نقل روایت اشتباهی رخ داده است؛ یعنی به وقوع اشتباهی در جهتی از جهات این روایت، علم اجمالی داریم؛ بنابراین نمی توان به این روایت استناد کرد.

## بیان دوم (عدم حجیت ذاتی موثقات)

این روایت موثقه است و روایات موثقه ذاتا حجت نیستند و در صورتی که اصحاب به روایت موثقی عمل کنند، حجت خواهد بود و یا این که ظن را به واسطه‌ی دلیل انسداد حجت بدانیم. آیت الله والد اخیرا به این نظر متمایل شده اند که روایات موثقه حجیت ندارد و حجیت این روایات تابع اعتبار روایات ظنی الصدور با دلیل انسداد می باشد. در محل بحث ما با توجه به تعارض روایت عمار ساباطی با روایات متعدد، این روایت قابل اعتنا نیست؛ به این معنا که ظن حاصل نمی شود تا با دلیل انسداد حجت شود.

## بیان سوم ( حجیت مشروط موثقات)

شرط حجیت روایات موثق این است که مخالف فتاوی و روایات امامیه نباشند. شیخ طوسی در عده نقل می کند که اصحاب با دو شرط به روایات غیر امامی عمل می کنند:

1. مخالف فتوای امامیه نباشد.
2. مخالف روایات امامیه نباشد.

روایت عمار ساباطی از هر دو جهت مخالف است؛ زیرا روایات متعددی بر خلاف آن وجود دارد. همچنین فقهایی که فتاوای آن ها در اختیار ماست، هیچ کدام طبق روایت عمار فتوا نمی دهند. اصحاب ائمه ( که مهم فتوای آن هاست) اگر به لزوم حداد قائل نبودند، باید این مطلب در احادیث منعکس می شد؛ زیرا مساله‌ی لزوم حداد از مسائل مورد ابتلا می باشد، اگر فتوای اصحاب بر خلاف این بود، باید اثری از آن در روایات دیده می شد و منحصر در روایت عمار ساباطی نمی بود. همین مساله کاشف از این است که فقهای اصحاب ائمه به وجوب حداد فتوا می دهند. مرحوم شهید صدر در بحث روش های احراز اتصال سیره‌ی متشرعه به زمان معصوم شبیه همین مطلب را بیان می کند.

## بیان چهارم ( حجیت ذاتی موثقات)

در صورتی که روایات موثقه را ذاتا حجت بدانیم، روایت عمار ساباطی با سایر روایات معارضه می کند. در این صورت باید سراغ مرجحات رفت. طبق مبنای ما سه مرجح به این ترتیب وجود دارد:

1. ترجیح قطعی الصدور بر ظنی الصدور
2. ترجیح موافق کتاب بر مخالف کتاب
3. ترجیح مخالف عامه بر موافق عامه

طبق مرجح اول روایت عمار ساباطی طرح می شود؛ زیرا در مقابل آن، روایات متعددی وارد شده است که قطعا صادر شده اند و روایت عمار ساباطی مظنون الصدور است.

همه‌ی این بحث ها مبتنی بر ثقه بودن عمار ساباطی است؛ در حالی که ممکن است در ثقه بودن او اشکال شود.

# توثیق یا عدم توثیق عمار ساباطی

در تعبیرات بعضی از فقها در مورد عمار ساباطی چنین آمده است: الروایة ضعیفة بعمار

ظاهرا مراد از «ضعیف» در عبارات فقها، «ضعیف» به اصطلاح قدما می باشد؛ ضعیف یعنی واجد شرایط اعتبار تام و تمام نیست؛ یکی از شرایطی که در اعتبار تام و تمام خبر دخالت دارد، صحت مذهب می باشد و با توجه به فطحی بودن عمار ساباطی، روایاتش ضعیف تلقی می شود.

برخی نقل کرده اند که شیخ طوسی در عده، عمار ساباطی را توثیق کرده است؛ در حالی که در عده توثیقی برای عمار ساباطی وجود ندارد. شیخ طوسی در دو جای عده در مورد عمل اصحاب به روایات شیعه‌ی غیر امامی با دو شرط اشاره کرده است[[1]](#footnote-1)و در هیچ کدام از این دو موضع به عمار اشاره نکرده است و عبدالله بن بکیر را ذکر کرده است.

## کلام شیخ طوسی در تهذیب

... هَذِهِ الْأَخْبَارَ أَرْبَعَةٌ مِنْهَا الْأَصْلُ فِيهَا عَمَّارُ بْنُ مُوسَى السَّابَاطِيُّ وَ هُوَ وَاحِدٌ قَدْ ضَعَّفَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَهْلِ النَّقْلِ وَ ذَكَرُوا أَنَّ مَا يَنْفَرِدُ بِنَقْلِهِ لَا يُعْمَلُ بِهِ لِأَنَّهُ كَانَ فَطَحِيّاً غَيْرَ أَنَّا لَا نَطْعُنُ عَلَيْهِ بِهَذِهِ الطَّرِيقَةِ لِأَنَّهُ وَ إِنْ كَانَ كَذَلِكَ فَهُوَ ثِقَةٌ فِي النَّقْلِ لَا يُطْعَنُ عَلَيْهِ فِيه‏[[2]](#footnote-2)

همین عبارت در استبصار[[3]](#footnote-3) نیز وارد شده است.

علت تضعیف عمار ساباطی را فطحی بودن او ذکر کرده اند. شیخ طوسی او را ثقه دانسته است.

## کلام ابن ادریس حلی

رواه عمار الساباطي، و عمار هذا فطحي المذهب، كافر ملعون[[4]](#footnote-4)

## کلام فاضل آبی

(فان قيل): كذا عمّار فطحيّ (قلنا): قد وثقه الشيخ، و يعمل بمفرداته[[5]](#footnote-5)

## کلام محقق حلی

عمار فطحي، و أنا أتوقف فيما ينفرد به[[6]](#footnote-6)

و عمار فطحي، فلا عمل على ما ينفرد به، لكن الشيخ لا يطرح رواياته، و يقول: هو ثقة.[[7]](#footnote-7)

عمار هذا و ان كان فطحيا، و سماعة و ان كان واقفيا، لا يوجب رد روايتهما هذه، اما أولا فلشهادة أهل الحديث لهما بالثقة، و اما ثانيا فلعمل الأصحاب بالحديث و لسلامتهما من المعارض.[[8]](#footnote-8)

## توثیق عمار ساباطی در فهرست

[527] عمّار [بن موسى‏]

عمّار بن موسى الساباطي، و كان فطحيا.

له كتاب كبير، جيّد معتمد.[[9]](#footnote-9)

کسی که کتاب کبیر معتمدی دارد، ثقه است.

## توثیق عمار ساباطی در رجال نجاشی

779 عمار بن موسى الساباطي‏

أبو الفضل مولى، و أخواه قيس و صباح، رووا عن أبي عبد الله و أبي الحسن عليهما السلام، و كانوا ثقات في الرواية[[10]](#footnote-10)

نجاشی نیز مانند شیخ طوسی، عمار ساباطی را توثیق کرده است.

اولین بار مجلسی اول به این شکل مطرح کرده است که در روایات عمار ساباطی معمولا مشکلاتی وجود دارد.

البته فی الجمله که روایتی از عمار ساباطی اضطراب دارد، در کلمات فقهای قبل از مجلسی نیز بوده است. مثلا مرحوم محقق می فرماید:

و في رواية عمار الساباطي، عن أبي عبد اللّه عليه السّلام «و يجعل طول الخرقة ثلاثة أذرع و نصف و عرضها شبر و نصف» و هذه الرواية ضعيفة السند، و في متنها اضطراب[[11]](#footnote-11)

اما اشکال به اکثر روایات عمار ساباطی نخستین بار در کلمات مجلسی اول[[12]](#footnote-12) مطرح شده است:

## کلام مجلسی اول

احاديث عمّار بى‌علتى نيست.[[13]](#footnote-13)

عبارت مشوش است مثل ساير روايات عمار كه بى‌چيزى نيست.[[14]](#footnote-14)

## کلام فیض کاشانی

مع أن متن الحديث لا يخلو من اضطراب كما يكون في أكثر أخبار عمار‌[[15]](#footnote-15)

مع ما في أخبار عمار من الغرائب‌[[16]](#footnote-16)

فمن حزازات روايات عمار[[17]](#footnote-17)

## کلام مرحوم مجلسی

و لنوضح الخبر ليمكن الاستدلال به فإنه في غاية التشويش و الاضطراب و قل خبر من أخبار عمار يخلو من ذلك‏ و لذا لم نعتمد على أخباره كثيرا.[[18]](#footnote-18)

## کلام صاحب حدائق

مع ما في روايات عمار من التهافت[[19]](#footnote-19)

## کلام مرحوم وحید بهبهانی

روايات عمّار مشوّشة مضطربة غالبا[[20]](#footnote-20)

## کلام مرحوم شوشتری

أكثر أخبار عمّار من هذا القبيل مخالف لضرورة المذهب[[21]](#footnote-21)

فمن أخبار عمّار الشّاذّ أكثرها[[22]](#footnote-22)

همچنین در موارد دیگری در نجعه نیز عباراتی به این شکل آورده است.[[23]](#footnote-23)

## کلام صاحب جواهر

خصوصا في أخبار عمار الغالب اشتمالها على نحو ذلك[[24]](#footnote-24)

خصوصا مع ملاحظة غلبة وقوع أمثال ذلك في روايات عمار[[25]](#footnote-25)

حال با توجه به این عبارات آیا می توان به روایات عمار عمل کرد؟

این مساله نیازمند بحث مفصلی است و نیاز به بررسی تمام روایات عمار ساباطی دارد تا مشخص شود چه تعداد از روایات او را فتوا داده اند.

اجمال بحث در جلسه آینده خواهد آمد.

1. عده، ج 1، ص 134 و 150 [↑](#footnote-ref-1)
2. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج7، ص101.](http://lib.eshia.ir/10083/7/101/%D8%A7%D8%B1%D8%A8%D8%B9%D8%A9) [↑](#footnote-ref-2)
3. استبصار، ج 3، ص 95 [↑](#footnote-ref-3)
4. السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى، ج‌1، ص 267‌ [↑](#footnote-ref-4)
5. كشف الرموز في شرح مختصر النافع، ج‌2، ص: 245‌ [↑](#footnote-ref-5)
6. نكت النهاية، ج‌2، ص: 398‌ [↑](#footnote-ref-6)
7. نكت النهاية، ج‌2، ص: 479‌ [↑](#footnote-ref-7)
8. المعتبر في شرح المختصر، ج‌1، ص: 104‌ [↑](#footnote-ref-8)
9. فهرست كتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول (للطوسي) ( ط - الحديثة)، النص، ص: 335 [↑](#footnote-ref-9)
10. [رجال النجاشی، شیخ النجاشی، ج1، ص290.](http://lib.eshia.ir/14028/1/290/%D8%A7%D9%84%D8%B3%D8%A7%D8%A8%D8%A7%D8%B7%DB%8C) [↑](#footnote-ref-10)
11. المعتبر في شرح المختصر، ج‌1، ص: 283‌ [↑](#footnote-ref-11)
12. البته تتبع کامل نداشتم. [↑](#footnote-ref-12)
13. لوامع صاحبقرانى، ج‌4، ص: 228 [↑](#footnote-ref-13)
14. لوامع صاحبقرانى، ج‌4، ص: 427 [↑](#footnote-ref-14)
15. [الوافی، فیض کاشانی، ج11، ص334.](http://lib.eshia.ir/71660/11/334/%DB%8C%D8%AE%D9%84%D9%88) [↑](#footnote-ref-15)
16. [الوافی، فیض کاشانی، ج6، ص237.](http://lib.eshia.ir/71660/6/237/%D8%A7%D9%84%D8%BA%D8%B1%D8%A7%D8%A6%D8%A8) [↑](#footnote-ref-16)
17. [الوافی، فیض کاشانی، ج7، ص198.](http://lib.eshia.ir/71660/7/198/%D8%AD%D8%B2%D8%A7%D8%B2%D8%A7%D8%AA) [↑](#footnote-ref-17)
18. [بحار الانوار، محمّد باقر المجلسی (العلامة المجلسی)، ج84، ص73.](http://lib.eshia.ir/71860/84/73/%D9%88%D9%84%D9%86%D9%88%D8%B6%D8%AD) [↑](#footnote-ref-18)
19. [الحدائق الناضرة فی أحکام العترة الطاهرة، یوسف بن أحمد البحرانی (صاحب الحدائق)، ج2، ص33.](http://lib.eshia.ir/10013/2/33/%D8%A7%D9%84%D8%AA%D9%87%D8%A7%D9%81%D8%AA) [↑](#footnote-ref-19)
20. [حاشیة الوافی، الوحید البهبهانی، ج1، ص355.](http://lib.eshia.ir/86722/1/355/%D9%85%D8%B4%D9%88%D8%B4%D8%A9) [↑](#footnote-ref-20)
21. النجعة في شرح اللمعة، ج‌4، ص: 410‌ [↑](#footnote-ref-21)
22. النجعة في شرح اللمعة، ج‌9، ص 303‌ [↑](#footnote-ref-22)
23. ج 1، ص 66

ج 1، ص 374

ج 2، 212

ج 3، ص 306

ج 5، ص 50 و 442

ج 7، ص 205 [↑](#footnote-ref-23)
24. [جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، ج6، ص257.](http://lib.eshia.ir/10088/6/257/%D8%AE%D8%B5%D9%88%D8%B5%D8%A7) [↑](#footnote-ref-24)
25. [جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، ج8، ص322.](http://lib.eshia.ir/10088/8/322/%D8%AE%D8%B5%D9%88%D8%B5%D8%A7) [↑](#footnote-ref-25)